



در حاشیه آغاز ثبت نام کاندیداها برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری

ستاد انتخابات استان) نیز از جمله مدیران دولتی یا چهره‌های شناخته‌شده در فضای مجازی بودند که نسبت به این مسئله واکنش نشان دادند. لاریجانی در نهایت توضیحی درباره این کیدوازه منتشر کرد و احتمالاً خطاب به قالیباف که بلندپایه‌ترین مقام کشور در میان واکنش دهندگان به او بود، نوشت: «برف الله الذین امنوا منکم والذین اوتوا العلم در جات. ارتفاع بگیریم یک راهبرد برای طی کردن مسیر است. برای رشد و توسعه کشور باید از مباحث تخریبی و سلبی ارتفاع بگیریم و برای یکبار هم که شده فضای انتخاباتی را معطوف به ترسیم مشکلات مردم و ارائه راه حل‌های واقعی آنان کنیم، شهیدان خدمت در راه وطن جان خود را برای اعتلای همین راهبرد گذاشتند. یاد و نام بلندشان گرامی باد و اندیشه «اهریمنان» و «سوءاستفاده کنندگان» از نشان ناکام.»

سعید جلیلی نیز نوشت: اینکه چند جمله قشنگ بیان می‌کنیم و یک طعنه به بقیه می‌اندازیم در حد خودش شاید یک جاذبه‌هایی داشته باشد ولی کار برای مردم نمی‌شود. کسی نمی‌تواند بگوید من به دنبال منافع مردم هستم اما اگر چندین سال در مجلس مسئولیت داشت، کارنامه‌ای در حوزه مبارزه با فساد ارائه نکند!

▼ تنها «خواستن» برای رفع تحریم کافی نیست



نصرت‌الله تاجیک، دیپلمات پیشین و تحلیلگر سیاسی به هم‌پهن گفت: «در داخل کشور یکی از مشکلات اصلی ما سوءمدیریت و ساختار نادرست نظام اداری کشور است. اما از منظر سیاست خارجی هم با مشکلاتی مواجه هستیم که گریبانگیر هر فردی که رئیس‌جمهور شود، خواهد بود. بخش نخست مشکلات ما در سیاست خارجی ناشی از مسائل مفهومی و نظری است. یعنی مسائلی که با آنها مواجه هستیم از نظر تئوری در دانشگاه روی آنها کار نشده و در مورد آن بحث و پژوهش علمی انجام نمی‌شود تا نتیجه این تحقیقات در اختیار دستگاه‌های اجرایی قرار گرفته و مشخص شود راه حل پیشنهادی در سیاست خارجی که در دانشگاه مورد پژوهش قرار گرفته است چه خروجی و نتایج به دنبال دارد. پس گسلی میان دانشگاه و دستگاه‌های اجرایی در این حوزه داریم. این موضوع هم باعث می‌شود گفتگمانی غالب که همه زیر چتر آن رفته و تکلیف خود را با مسائل سیاست خارجی می‌دانند، شکل نگیرد.»

او با مثال زدن مسئله فلسطین در این زمینه توضیح داد: «ما سرمایه‌گذاری مادی و معنوی بسیاری در خصوص فلسطین داشتیم اما امروز شاهد شرایطی هستیم که در جامعه نسبت به این موضوع تا حدی بی‌تفاوتی وجود دارد. در چنین شرایطی بیشتر سرمایه‌گذاری‌های مانف می‌شود و سودآور نخواهد بود. بنابراین با قطع بودن ارتباط دانشگاه و دستگاه اجرایی که هر یک در جهانی خاص خود سیر می‌کنند و به کار خود مشغولند، مشکل در حوزه نظر به‌پیرداری و تبیین آن برای مردم داریم.»

این دیپلمات پیشین تأکید کرد: «از طرف دیگر در اجرا نیز بیش از حد متعارف با تعدد سازمان‌ها مواجهیم. این درحالیست که سازمان مسئول سیاست خارجی قدرت، اختیارات و اقتدار لازم را در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا ندارد. بسیاری از مشکلات در این حوزه در سطح دولت نیست که رئیس‌جمهور درباره آن نقش‌آفرینی کند. سیاست خارجی یک مبحث حاکمیتی است. مثلاً آقای لاریجانی امروز درباره رفع تحریم‌ها صحبت می‌کند. همه رؤسای جمهوری قبلی حتی در حرم رئیسی به دنبال رفع تحریم‌ها، مذاکره و... بودند و با توجه به جایگاه سیاست خارجی باید بررسی کرد که مشکلات چه بودند که رؤسای جمهوری نتوانستند آنها را رفع کنند. چنانچه علتی دارد که امروز تنها با سخنرانی لاریجانی در وزارت کشور مطمئن شویم که او می‌تواند تحریم‌ها را رفع کند.»

تاجیک ادامه داد: «آقای لاریجانی در دورانی که مذاکره‌کننده هسته‌ای بود، ارتباطات بهتر و راحت‌تری با نماینده اتحادیه اروپا آقای سولانا داشت ولی در همان دوره ما سه قطعنامه به علاوه پنجاه تحریم گرفتیم. بنابراین اگر

بخوایم صرفاً بگوییم دولت من دولتی است که تحریم‌ها را رفع خواهد کرد، کار پیش نمی‌رود. این تحریم‌ها حاصل سیاست خارجی ماست. بخشی از آن به ما بر می‌گردد و مسائلی که با هنجارهای بین‌المللی و منطقه داریم؛ مزیت نسبی ما در خاورمیانه است. اصل مشکل ما با آمریکا در خاورمیانه است. تحریم‌ها ناشی از مسائل ما در خاورمیانه است. اما ایران نمی‌تواند سرمایه‌گذاری خود را در خاورمیانه رها کند. یا باید بپذیریم که این سرمایه‌گذاری را رها کنیم یا باید منافع خود را با روش‌هایی دنبال کنیم که با هنجارهای بین‌المللی نیز سازگار باشد و کشورهای دیگر آن را خطر تلقی نکنند. ممکن است بخشی از این سیاست دست دولت باشد. نقش فرد را نمی‌کنم اما همانقدر که فرد رئیس‌جمهور نقش دارد، مسئولین دیگر هم نقش دارند. صرفاً اینکه بخوایم در مسیر رفع تحریم‌ها قدم برداریم، کفایت نمی‌کند. فرض کنیم آقای لاریجانی رئیس‌جمهور شود. باز هم تغییر عمده‌ای در سیاست خارجی ما رخ نخواهد داد. یکی از معضلات ما این است که تلقی درستی از سطح و میزان مشکل نداریم. نمی‌دانیم چقدر از مسائل و مشکلات کشورمان ناشی از سیاست خارجی است. به کدام بخش مربوط است و چقدر به ما و چقدر به طرف مقابل ارتباط دارد؟! برای همین فقط دلمان می‌خواهد تحریم‌ها را کاهش بدهیم. بخش دیگر هم طرف مقابل است. باید واقع‌بین باشیم. مردم هم از بس که از این ایده‌ها شنیده‌اند اما در عمل نتیجه مثبتی ندیدند، از دولت و ساخت سیاسی دلزده هستند. این برای حاکمیت مسئله خوبی نیست.»

سفیر پیشین ایران در اردن، اظهار داشت: «آقای جلیلی هم از سوی دیگر یک کلیت و چارچوب فکری دارد که در دانشگاه به‌عنوان محیط علمی با حضور موافق و مخالف چکش نخورده است. ممکن است ایده‌ای داشته باشد و یکسری از دوستان‌شان هم آن را بپسندند. اما ایده‌ای می‌تواند موفق شود که مورد بررسی و مطالعه موافق و مخالف قرار بگیرد. در لحاظ اجرایی بررسی شود. مثلاً آقای جلیلی سال ۱۴۰۰ مسئله تهاجر را مطرح کرد. ما ۱۵ کشور همسایه داریم که مزیت نسبی ماست اما اگر بخوایم با آن‌ها کار کنیم، وقتی تحریم هستیم نمی‌توانیم به درستی تجارت کنیم. نمی‌توانیم پشم بز بدهیم و جای بگیریم. ایشان سال ۸۶ تا ۹۲ با آقای سولانا و خانم اشون مذاکره کرد. حاصل این مذاکرات ۳ قطعنامه و قرار گرفتن ایران تحت فصل هفتم منشور ملل متحد (فصل مربوط به مقابله با تهدیدهای جهانی و برقراری صلح) و افزایش ۴۵۰ تحریم دیگر بوده است. ایشان چه شعار سیاست خارجی می‌خواهد بدهد؟ اگر پای صحبت آقای علی اکبر صالحی بنشینید، مطرح کرده‌اند که هبیری پذیرفتند ایران و آمریکا در عمان مذاکره غیر مستقیم داشته باشند. صالحی به‌عنوان وزیر امور خارجه، ۲ تا ۳ ماه سردرگم بود و جلیلی به‌عنوان دبیر شورایی عالی امنیت ملی از این موضوع ایراد می‌گرفته و برگزاری دو مذاکره یک سال طول می‌کشید. این رویه بسیار کند است و نمی‌توانیم منافع‌مان را تأمین کنیم. سرعت تحولات زیاد است و ما مورچه‌وار حرکت می‌کنیم. در حالی که دیدیم نهایتاً در عمان مذاکره کردند و مبنایی شد برای مذاکرات بعدی با ۵+۱ و برجام.»

این دیپلمات پیشین کشورمان تأکید کرد: «آقای جلیلی می‌خواهد در سیاست خارجی چه کار کند؟ آقای جلیلی دنبال مدیریت جهانی است. صحبت‌ها و سخنرانی‌هایشان در مجامع مختلف موجود است. مباحث کلی که فقط به درد وقت تلف کردن می‌خورد. امیدوارم طی روزهای آینده نیروهای قوی‌تری که به مسائل سیاست خارجی مسلط باشند در انتخابات ثبت‌نام کنند که توانمند باشند. ما از لحاظ داخلی و خارجی وضعیت خوبی نداریم و نیاز به اصلاحات ساختاری داریم و انشالله با حضور چند نیروی قوی از جهانی مختلف کشور شاهد بازگشت مردم به صندوق و یک مشارکت حداکثری باشیم تا ضمن افزایش انسجام ملی یک دولت قوی و کارآزمای حل مشکلات مردم و پیشرفت کشور شکل بگیرد. خاورمیانه در شرف تحولات اساسی است. قطب‌بندی جهانی در حال تغییر است. در آمریکا اگر ترامپ بیاید مشکلات بیشتری خواهیم داشت و یک دولت قوی و انسجام ملی حداکثری می‌تواند کارساز باشد. انشالله!»

البته عملاً بسیاری از آنان برنامه‌ای هم برای اداره کشور ندارند. نه اینکه ایراد آنان باشد. نوشتن برنامه مفید و کاربردی، برای اداره کشور از سوی فرد امتناع عملی دارد؛ چون برنامه‌نویسی کار احزاب است و نه افراد. چنان‌که که منتخبات انتخابات قبلی ریاست‌جمهوری هم اعلام می‌کرد که برنامه ۷۰۰ صفحه‌ای دارد و حتی آن را برای رؤسای دانشگاه‌ها فرستادند، ولی پس از آمدن به پاسور از کارشناسان خواستند به ایشان کمک کنند و برنامه دهند. در نهایت، پس از سه سال معطلی نه‌تنها نتوانستند تورم را کاهش دهند، بلکه به این نتیجه رسیدند که مدت‌ها طول خواهد کشید تا تورم کاهش می‌شود. تومی که وعده نصف و سپس تک‌رقمی شدن آن مطابق آن برنامه ۷۰۰ صفحه‌ای داده شده بود. چرا چنین است؟ برای اینکه نامزد شدن در انتخابات ایران سودآور است؛ بدون اینکه هزینه‌ای داشته باشند. در انتخابات گذشته تهران نزدیک به ۲۹۰۰ نفر آرای زیر ۱۰۰۰ آورده بودند. آنان حتماً این اندازه عقل داشتند که یک در ده‌هزار هم شانس برای انتخاب شدن خود قائل نباشند. پس چرا آمدند؟ چون رزومه‌سازی می‌کنند و با این کار منافعی به دست می‌آورند؛ بدون اینکه هیچ هزینه‌ای دهند. به‌علاوه، حتی کنید کسی آمد و انتخاب شد، هیچ زبانی جز سود سرشار متوجه او نباشند و نان و ماست را بخورد و کاری هم به امور کشور جز منافع خودش نبینند.

به یکی از خبرنگارها گفت: «فلانی ۹۲ زیاده است که با ورود هاشمی یکی از بچه‌ها چنان فریادی زد که همه میخکوب شدند.» گفت: «آره یادمه؛ اتفاقاً داشتم به این فکر می‌کردم که سیاست ایران چه روزهایی را به خودش دیده، سال ۹۲ ما همین جا ایستاده بودیم و با هیجان منتظر هاشمی‌فستجانی با آن همه سابقه بودیم اما امروز منتظر سعید جلیلی هستیم. روزگار عجیبی شده.»

حاشیه‌های یک دستور: ستاد انتخابات وزارت کشور، در همان اولین روز به خبرنگاران اعلام کرد در راستای مدیریت زمان و برای جلوگیری از هرج و مرج، تنها در صورتی خبرنگاران اجازه سوال از کاندیداها را خواهند داشت که کاندیدار در دقیقه‌وقتی که پیش‌تر تعیین قرار می‌گیرد، خودش بخواهد به سوال خبرنگاران جواب دهد؛ بنابراین هر نوع سوال پرسیدن از کاندیداها خارج از این قاعده ممنوع است. البته در این میان در دومین روز ثبت‌نامه‌ها سه اتفاق طرز رخ داد که یکی از آنها در فضای مجازی هم ویرال شد. علی لاریجانی پنجشنبه شب در صفحه توئیتر خود، تصویری را منتشر کرد که شمایی از در خواست برای تاکنسی اینترنتی به مقصد وزارت کشور بود. وقتی جمعه صبح رئیس پیشین مجلس وارد ستاد انتخابات شد، یکی از خبرنگاران تصمیم گرفت که خط‌شکن عبور از قاعده شود. زمانی که لاریجانی مشغول نشان دادن شناسنامه به دوربین بود، یکی از خبرنگارها به او گفت: «آقای دکتر توئیست دیشب شما خبرساز شد.» بلافاصله یکی از خبرنگارها پرسید: «آقای دکتر با اسنپ آمدید یا بیسی؟» سوالی که با واکنش لاریجانی روبه‌رو شد و گفت: «چیزهای مهم‌تری در آن توئیست بود.» همچنین زمانی که عبدالناصر همتی مشغول نشان دادن

ادامه سر مقاله

و تاحدی هم حوزه انتخابیه نداشته باشد. به هیچ وعده‌ای هم عمل نکنند، چه خواهد شد؟ هیچ دوباره هم می‌تواند انتخاب شود. مگر کسانی که در مقام ریاست‌جمهوری وعده‌های فراوان دادند و عمل نکردند. بازخواست شدند که یک نماینده شود؟ لازم نظام انتخاباتی و پارلمانی وجود نظام حزبی است. به این علت روشن که مردم باید میان برنامه‌های حزبی انتخاب کنند. البته، به افراد رای می‌دهند؛ ولی به واسطه معرفی حزب و نقش او در حزب. مسئولیت حزبی پیوسته است. افراد می‌آیند و می‌روند، ولی مسئولیت احزاب مستمر است. چه کسی اکنون مسئولیت رؤسای جمهوری قبلی ایران (جز تا حدودی آقای ختمی) را به عهده می‌گیرد؟ احتمالاً هیچ‌کدام از همراهان و همفکران دولت سیزدهم مسئولیتی را در مورد کارنامه آن نخواهند پذیرفت. به این دلیل ساده که ساختار سیاسی علاقه‌ای ندارد که احزاب واقعی را به رسمیت بشناسد؛ لذا همه ترجیح می‌دهند که به خودشان تمرکز شوند. جالب اینکه همه هم به درستی فکر می‌کنند مگر چه چیز آنان از قبلی‌ها کمتر است که کاندیدای ریاست‌جمهوری نشوند؟ پاسخ هیچ چیز است. در پایان هم رقابت میان این تعداد افراد نامزد شده و حتی نشده‌ای که عطای نامزدی را به لقای آن خواهند بخشید، نخواهد بود. چند نفر را تأیید می‌کنند که اگر در کفه ترازو با حذف شده‌ها (و نه کسانی که ثبت‌نام نکرده‌اند) قرار گیرند، لزوماً سنگین‌ترین نیستند.

ادامه از صفحه یک

شناسنامه‌اش به عکاس‌ها بود، دو بار این موضوع تکرار شد. ابتدا خبرنگاری با شوخی از او پرسید: «آقای دکتر چقدر دست می‌لرزد؟» و همتی هم با لیخند پاسخ داد: «من؟ شما چشمات می‌لرزد؟» پس از آن در قسمت دیگر یکی از خبرنگارها از همتی پرسید: «آقای همتی با توجه به اینکه آقای لاریجانی آمده می‌ماند یا انصراف می‌دهید؟» همتی با همان لیخند رو به خبرنگار کرد و دوبار پرسید: «حالت خوب است؟»

پایان عادی‌سازی: در مقایسه با ادوار پیشین، روند ثبت‌نام‌ها یک تفاوت ویژه دارد. در گذشته یکی از جذابیت‌هایی که ستاد انتخابات داشت، این بود که تعداد افراد عادی که برای ثبت‌نام وارد ستاد انتخابات می‌شدند، بیشتر از افرادی بود که واجد شرایط اولیه بودند. روندی که البته صحنه‌های جذاب از تقابل این افراد با خبرنگاران را رقم می‌زد اما این دوره خبری از این موضوع نیست. ابتدا مدارک مراجعان به وزارت کشور چک شده و اگر واجد شرایط باشند، به سالن اصلی هدایت می‌شوند و از مقابل خبرنگاران عبور می‌کنند؛ بدین ترتیب تنها چهره‌هایی در سالن اصلی حضور دارند که چهره‌هایی شاخص هستند. البته همین موضوع هم صحنه‌هایی شیرین را رقم می‌زند؛ برای مثال در همین دوروز چندبار اتفاق افتاد که خبرنگاران از سالن اصلی نشست به گمان اینکه چهره‌ای شاخص در حال ورود به ستاد است، به سمت پله‌های خروجی بدون اما با پله‌های خالی روبه‌رو شده و متوجه شوند که فریاد «آمد، آمد» یکی از همکاران‌شان ربطی به حضور چهره خاصی ندارد و باید یکبار دیگر به سالن برگردند.

بودند. از آن زمان بود که با لاریجانی جدیدی مواجه شدیم. همان لاریجانی‌ای که در سال ۱۳۸۷ همایش صدسالگی مجلس را برپا کرد و همه طیف‌های سیاسی از عزت‌الله سحابی و مهدی کروبی تا علی‌اکبر ناطق‌نوری و هاشمی‌فستجانی را میزبانی کرد. همان لاریجانی‌ای که پس از انتخابات ۱۳۸۸ و در دوقطبی حاد سیاسی کشور، چنان موضع گرفت که تندروها او را «ساکت فتنه» خواندند. همان لاریجانی‌ای که در جلسه علنی یکشنبه ۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۱ از جایگاه ریاست مجلس تمام‌قد در برابر احمدی‌نژاد ایستاد و یک هفته بعد در مراسم ۲۲ بهمن در حرم قم با سنگ‌پرانی و مهرپرانی تندروهای حامی دولت وقت مواجه شد. همان لاریجانی‌ای که در دوره هشت‌ساله روحانی در جایگاه متحد او در پارلمان عمل کرد و برجام را در میان هیاهوی دل‌وایسان به تصویب رساند. همان لاریجانی‌ای که در سال ۱۴۰۰ به میدان انتخابات آمد و در بیانیه‌ای صریح که سیدابراهیم رئیسی را هدف گرفته بود، تأکید کرد دولت را با روش دادگاه و پادگان نمی‌شود اداره کرد. همان لاریجانی‌ای که پس از ردصلاحیت، با صراحت و سماجت دلایل ردصلاحیت خود را از شورای نگهبان خواست و سپس در نامه‌ای در آذرماه ۱۴۰۰ همه استدلال‌های ردکنندگان را به چالش کشید. همان لاریجانی‌ای که در سال ۱۴۰۲ با اطلاعیه‌ای چندسطری نامزدی خود را برای انتخابات مجلس تکذیب کرد و در همان چند سطر، واژه «خالص‌سازان» را بر ساخت و محور اصلی صفت‌هایها و تحلیل‌ها در نقد دولت سیزدهم و متحدان و حامیان آن ساخت. همان لاریجانی. امروز به میدان انتخابات ۱۴۰۳ بازگشته است. توئیست متفاوت او شب قبل از نام‌نویسی، چنان بازتابی یافت که نشان داد او با برنامه آمده است. همچنان که سخنانش پس از ثبت‌نام، صریح و دقیق بود؛ و شعارهایی که سر داده است: «ارتفاع بگیریم» و «ملت قوی، دولت زمینه‌ساز.»

▼ سناریوهای دوقطبی ۱۴۰۳

اگر جلیلی برای رسیدن به جایگاه ریاست‌جمهوری به «دولت‌سایه» خود متکی است (دولتی متشکل از چهره‌های امام‌صادقی که مناصب مختلف دولت رئیسی را فرقی کرده بودند و به‌این‌معنا، چندان هم در سایه

دید که کدام الگو تکرار می‌شود: ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ یا ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳